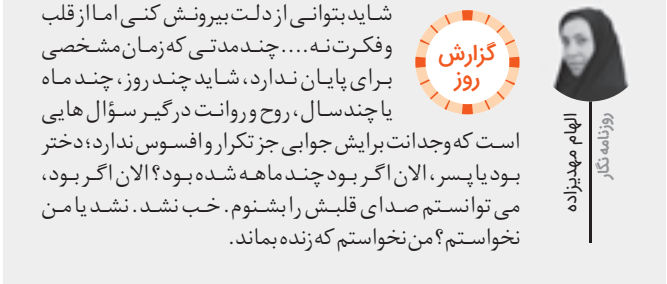


نجات جان جنین

روایت شهرآرا از سقط‌های عمدی و مرکزی برای جان دادن به «نفس»‌های زندگی



هر کدام برای گرفتن جانی که آرام آرام می‌خواهد شکل بگیرد دلایلی دارند، دلایلی که می‌توان باب‌رسی روان‌شناسی جامعه‌شناسی بررسی‌کرد، تا کنون آمارهای مختلف و متعددی درباره میزان سقط‌عمدی جنین در ایران ارائه شده است. آمارهایی که همه بر احتمالات استوار است. آخرین آمار ارائه‌شده مربوط به اردیبهشت ماه امسال است. این آمار را پروفیسور محمداسماعیل اکبری، رئیس کمیته جمعیت و سرمایه اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام و از طراحان

رئیس کمیته جمعیت و سرمایه اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام گفته است سالانه ۵۳۰ هزار سقط‌عمدی در کشور داریم

رئیس کمیته جمعیت و سرمایه اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام و از طراحان

گناه نابخشودنی

● سقط به دلیل آزمون جامع

فرانک چند سالی است که ازدواج کرده است. برای معرفی خودش به‌سوابق علمی خانواده‌اش اشاره دارد و با تأکید بیان می‌کند: پدرم پزشک عمومی است و مادرم فرهنگی است. من فرزند بزرگ خانواده هستم. یک برادر هم دارم که ۱۰ سالی از من کوچک‌تر است. کل خانواده ما تحصیل کرده هستند. با توجه به‌سطح تحصیلات خانوادگی، از همان ابتدای مراحل خواستگاری تا ازدواج با همسر این‌طور قرار گذاشتیم که پس از اتمام مقطع دکتری من درباره داشتن فرزند تصمیم‌گیری کنیم. چیزی تا آزمون جامع نمانده بود و من تنها عصرها و بعد از آنکه از سر کار برمی‌گشتم فرصت مطالعه داشتم. همان روزها بود که متوجه شدم باردار هستم. به شدت به هم ریختم. تصور بارداری و کار کردن و درس خواندن در مقطع دکتری و انجام امور خانه برای من سخت بود. قبل بارداری هم وقت کم می‌آوردم و گاهی وقتی برای پخت وپز و انجام امور خانه نداشتم. با چند نفر از دوستانم که مشورت کردم، گفتند نکه داشتن این بچه آن هم زمانی که باید کارهای پژوهشی پایان‌نامه را شروع کنم، سخت است. یکی از دوستانم هم به‌دلیل بارداری مجبور شد ادامه تحصیل در مقطع دکتری را رها کند. این دوستم بعد دنیا آمدن بچه چنان درگیر کارها شد

● به‌خاطر حرف مردم

حرف مردم، حرف مردم است. از قدیم بوده است. روشنا قرار بود به‌خاطر همین حرف‌های مردم پا به این دنیا نگذارد. ماما روشنا چند ماهی بود عقد کرده و هنوز در پی خرید جهیزیه و لوازم خانه بود که متوجه بارداری اش شد. بارداری به‌گفته او شوکی بزرگی به او وارد کرد. ناراحتی و بیشتر از همه حرف و حدیث‌هایی بود که در پی شنیدن این خبر می‌توانست، شکل بگیرد. هیچ‌کس برای او راه چاره‌ای که بتواند با این موضوع کنار بیاید نداشت. حرف‌های اطرافیان بیشتر از راه‌کار نهی‌ها و نصیحت‌هایی بود که بعد از هر واقعه و اتفاق، زبان زد عام و خاص می‌شود: خودت مقصری، الان مردم بشنوند چه می‌گویند. این چه‌کاری بود که کردی دختر؟ باور غلط باردار شدن در دوران عقد و حرف و حدیث‌هایی عامه، این نگرانی را برای مادر روشنا ایجاد کرده بود که اگر در دوران عقد دارای فرزند شوند روال عادی شروع زندگی و شیرینی مراسم ازدواج را باید فراموش کند و با کوله‌باری از چراهای انجام این کار رهی خانه بخت شود. با شنیدن این افکار و نصیحت‌ها تصمیم می‌گیرد تا قبل از فهمیدن فامیل و آشنا فرزندش را سقط کند، کاری که ممکن بود به‌عدم باروری او در آینده ختم شود. ماندگاری فرزند نیز این ذهنیت را برایش ایجاد می‌کرد که این فرزند روال زندگی دوفنره آن‌ها را از حالت طبیعی خارج می‌کند. این مادر در ادامه



همه دنیا علیه ما می‌جنگید اما کشور بالاترین باروری را تجربه‌کرد. همان نسل معروف به‌بچه‌های دهه شصتی. وضعیت کشور در حوزه جمعیتی به نحوی است که گفته‌های کنونی مسئولان برای وضعیت کشور در حوزه جمعیت از تلنگرها به‌هشدارها رسیده است. مردادماه امسال نیز دکتر صابر جباری، رئیس اداره جوانی جمعیت وزارت بهداشت تنها راه نجات کشور از این سیاه چاله را افزایش مولید می‌داند. او معتقد است که میزان مولید در کشور باید از یک میلیون به ۲٫۵ میلیون نفر در سال برسد. دکتر جباری همچنین

جمعیتی فقط هفت سال زمان داریم، او معتقد است با ادامه روند فعلی جمعیتی، شاهد مرگ تدریجی کشور خواهیم بود، زیرا در سال ۱۴۳۰ یک‌سوم جمعیت ایران نیز بالای ۶۰ سال سن خواهند داشت.

رئیس اداره جوانی جمعیت وزارت بهداشت تنها راه نجات کشور از این

سیاه چاله را افزایش مولید می‌داند. او معتقد است که میزان مولید در کشور

باید از یک میلیون به ۲٫۵ میلیون نفر در سال برسد. دکتر جباری همچنین

می‌خواهم زنده بمانم

با مرکز مردمی نفس آشنا می‌شود. بارانمایی‌ای که از مشاوران مرکز نفس، دریافت می‌کند تصمیم می‌گیرد روشنا را نگه دارد. حالا روشنا روشنی‌خانه آن هاست.

● به‌خاطر اقتصاد

آرش چند ماهی است که پا به این دنیا گذاشته است. پدر آرش کارگر است که با توجه به شرایط اقتصادی به‌سختی گذران زندگی می‌کند. بارداری مادر آرش در شرایطی اتفاق افتاد که به‌گفته او تصمیمی برای داشتن فرزند دوم نداشت. مادر آرش وقتی فهمید باردار است به‌دلیل شرایط اقتصادی خانواده و اینکه یک فرزند دیگر داشت تصمیم به سقط گرفت. تصمیمی که چندان بارضایت قلبی نبود. او توسط یکی از همسایه‌ها به‌مشاوره‌های مرکز نفس ارجاع داده می‌شود. با گفت‌وگوها و مشاوره‌هایی که به این پدر و مادر داده می‌شود آن‌ها از تصمیم خودشان منصرف می‌شوند. حالا پدر و مادر آرش از نعمت بودن آرش بهره‌مند شده‌اند و این نوزاد چند ماهی است که با حمایت‌های مرکز نفس پا به این دنیا گذاشته است. مرکز نفس برای این نوزاد و نوزادان مشابه‌تا دو سالگی حمایت‌هایی اعم از ارائه بسته‌های معیشتی، پوشاک، تغذیه و مسائل درمانی در نظر گرفته است. چنانچه شرایط خانواده در این دو سال به‌حالت پایدار نرسد این مرکز خانواده را به‌مرکز حمایتی و خیریه‌هایی که با این مرکز همکاری و همراهی دارند، معرفی می‌کند.



«سقط داشتم.» از او می‌پرسیم که سقط او در مراکز درمانی بوده است؟ جوابی که می‌دهد منفی است. این سقط یا غیرقانونی یا با دارو انجام شده است. بنابراین دوباره می‌گویم که فاصله ما با نجات یک جنین، به اندازه مصرف کردن یک قرص است.

● پیگیری جان‌های جنین‌ها

مدیر مرکز نفس آماری از فعالیت یک سال و چند ماه این مرکز نفس می‌دهد: در این مدت و با اقداماتی که انجام دادیم، در سطح استان خراسان رضوی، ۳۵۰ مادر از سقط جنین‌هایشان منصرف شدند. به‌گفته او از این تعداد ۲۰۵ مورد مربوط به مادران مشهدی است. همچنین از ۳۳ مادر حمایت شده است.

که توسط مرکز نفس فرزندان خود را به دنیا بیاورند. زاده‌احمد به این نکته نیز اشاره دارد که حمایت‌های مرکز نفس در قالب مشاوره، بسته‌های معیشتی، درمانی، پزشکی و سلامتی به مدت دو سال است اگر پس از این مدت خانواده همچنان درگیر مشکلات بود، این خانواده‌ها از طریق مرکز نفس به‌خبریه‌ها و مراکز حمایتی ارجاع داده می‌شوند. زاده‌احمد در ادامه روایتی از پیگیری‌هایش برای موارد اعلامی دارد: همان اوایلی که پسر محمد به دنیا آمد مودی به مرکز نفس اعلام شد. دختر خانم جوانی بارداری ناخواسته داشت. خانواده دختر به‌ویژه پدر او بی‌نیاهت از این ماجرا ناراحت بودند و نمی‌توانستند این بارداری را بپذیرند. زمستان



۳۵۰ مادر از سقط جنین‌هایشان منصرف شدند که از این تعداد ۲۰۵ مورد مربوط به مادران مشهدی است

● فاصله نجات یک جان به اندازه یک قرص

او درباره آمارها و دلایل سقط‌های عمدی می‌گوید:

من بارها گفته‌ام که فاصله ما با سقط‌های عمدی به اندازه یک قرص است. این نکته را باید در نظر گرفت که سقط‌های این جنینی به‌صورت غیرقانونی است، پس جایی ثبت نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان آماری مستند داد. مثال واضحی که می‌توان در این باره به آن اشاره کرد این است که مادری برای انجام امور درمانی خود به یکی از مراکز بهداشتی مراجعه می‌کند. وقتی از او شرح حال می‌گیرند می‌گویند:



جوانان رادر یابید

افزایش سن ازدواج و کاهش آگاهی‌های اعتقادی عواملی موثر در باروی‌های ناخواسته وسقط جنین اند



مهدیزاده! خطایش به مسئولان است. می‌گوید: جوانان رادر یابید. جوانی که از سن ازدواج اوسال‌ها گذشته است می‌تواند رفتاری خارج از چهارچوب خانواده داشته باشد. ادامه می‌دهد: اگر سن ازدواج کاهش یابد، اگر ریشه‌های اعتقادی جوان امروزی تقویت شود، این رفتارهای پرخطر نیز کاسته می‌شود و در پی آن سقط‌های عمدی و خودخواسته نیز کاهش می‌یابد.

اگرهایی که به‌گفته او همت مضاعفی از سوی مسئولان می‌خواهد و نمی‌توان تنها به‌حرف و آمار دادن و افسوس خوردن بسنده کرد. گفت‌وگوی ما با دکتر غلام‌رضا حسنی، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، است. او استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه فردوسی است و در این حوزه مقالات بسیار دارد. دکتر حسنی در ابتدای گفت‌وگو این تأکید را دارد که در مسائل مربوط به حوزه جمعیت و خانواده باید بیش از هر چیز به ریشه‌ها و علل آن توجه شود تا بتوان برای رفع آن گامی برداشت. رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی موضوع سقط‌های عمدی را یک موضوع چند وجهی برپایه علوم متفاوت اعم از سلامت جسمانی، چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند.

● دودی که به چشم جنین می‌رود

این استادیار جمعیت شناس درباره موضوع سلامت جسمانی به‌کاهش سن تجربه در حوزه مواد دخانی و استفاده از مواد مخدر در جوانی اشاره دارد. دکتر حسنی می‌گوید: علاوه بر آن برخی از زوجها به‌دلیل درگیری با اعتیاد و آسیب‌هایی که اعتیاد به‌جسم آنان وارد می‌کند دست به سقط‌های خودخواسته می‌زنند. در این میان برخی نیز به‌دلیل اعتیادهای پیشین و مصرف مواد دیگر امکان باروری ندارند.

موقعیت‌های اجتماعی و رسیدن به مدارک علمی یکی دیگر از عللی است که این استادیار جمعت‌شناسی در فهرست عوامل بروز سقط‌های خودخواسته ذکر می‌کند. رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی برای تکمیل گفته‌هایش مصداق‌هایی ذکر می‌کند: فردی برای رسیدن به مدارک بالای تحصیلی و شغلی خودش را از داشتن فرزند محروم می‌کند. تصورش آن است که اگر اکنون این فرزند را نداشته باشد می‌تواند پس از رسیدن به آن جایگاه دارای فرزند شود. هرچند برخی از این افراد به‌دلیل آسیب‌هایی که سقط‌های این جنینی به‌جسم وارد می‌کند ممکن است در باروری‌های بعدی خود با مشکل روبه‌رو شوند. گاهی نیز بانوان ما به‌دلیل شاغل بودن و حفظ موقعیت شغلی خود دست به سقط‌های این جنینی می‌زنند.

دکتر حسنی به‌عوامل اقتصادی و نقش آن در بروز سقط‌های عمدی نیز اشاره دارد. او معتقد است که عامه مردم، اقتصاد را محور اصلی سقط‌های عمدی می‌دانند. این در حالی است که اقتصاد در میان دیگر علل چندان پررنگ نیست. رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی ادامه می‌دهد: نمی‌توان از نقش جایگاه اقتصاد و عوامل اجتماعی در حوزه سقط‌های عمدی گذشت. اما بررسی‌ها نشان از آن دارد که موارد بالا نقش تأثیرگذاری در آمار سقط‌های عمدی ندارد.

● باروری‌های ناخواسته در صدر عوامل سقط‌های عمدی

او باروری‌های ناخواسته را مهم‌ترین عامل سقط‌های عمدی ذکر می‌کند، محوری که به‌ادعان اومی‌تواند سهم در خور توجهی از آمارهای اعلامی برای این سقط‌ها داشته باشد.

دکتر حسنی برای ارائه راهکارها سراغ آنچه که مسئولان باید انجام دهند می‌رود. این استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه فردوسی عوامل اجتماعی‌ای نظیر فراهم بودن شرایط ازدواج و پرهیز از رفتارهای پرخطر و خارج از چارچوب خانواده را به‌عنوان عاملی مهم و اصلی می‌داند و تأکید می‌کند که تا زمانی که گفته‌های مسئولان برای تسهیل ازدواج در قیدوبند تبصره‌ها و دستورالعمل‌ها باشد نمی‌توان گرهی از چالش‌های ازدواج جوانان گشود.

به‌گفته این استادیار جمعیت‌شناسی با فراهم کردن زمینه‌های ازدواج، چارچوب‌های خانواده شکل می‌گیرد و در پی آن روابط نامتعارف حذف خواهد شد.

دکتر حسنی معتقد است که باید نظام حمایتی پشتیبانی یک نهاد خاص و تخصصی در کشور ایجاد شود تا خانواده‌ها بتوانند با خیال راحت فرزندآوری کنند و بتوانند در تربیت فرزندانشان به‌خوبی عمل کنند. همچنین دولت و مجلس باید با وضع قوانین و حمایت اقتصادی از خانواده‌ها راه را برای فرزندآوری زوج‌ها فراهم کنند. به‌گفته او همین افزایش سن ازدواج سبب شکل‌گیری رفتارها و روابطی خارج از عرف می‌شود که پیامد آن شکل‌گیری جنین‌هایی است که تعهدی در قبال پذیرش آن‌ها وجود ندارد.

افزایش اعتقادات مذهبی و توجه به جایگاه‌ای که جنین دارد نکته دیگری است که رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی به آن اشاره دارد. اومی‌گوید: اگر به این حوزه نگاه جدی شود، بخشی از سقط‌های عمدی از آمارهای احتمالی مسئولان کاسته خواهد شد. وقتی زوجی از جایگاه فقهی جنین آگاه شود همه دلایلی که برای این تصمیم دارد کم‌رنگ می‌شود. این آگاهی و مسئولیت انسانی‌ای باید به جوانان و پیش از هر نوع رفتاری داده شود.



شهرآرا

۳۰ شهریور ۱۳۹۴
شماره ۳۷۳۸
SHAHRAANEWS.IR



درد

گفت و گو

او مادر سه فرزند است و فرزند آخرش حالا نه‌ماهه است. او پیگیر

خانواده‌هایی بوده که تصمیم داشتند جنین‌شان را سقط کنند.

گپ وگفت ما با زاده‌احمد درباره شکل‌گیری مرکز نفس و اقداماتی است که در مدت یک سال و چندماه از شکل‌گیری این مرکز اجرایی شده است. به‌دلیل شرایط خانم زاده‌احمد و افتتاح‌هایی که در شهرستان‌ها داشتند گفت‌وگوی ما به‌صورت تلفنی است. گفت‌وگوی تلفنی ما با پس‌زمینه‌ای از صدای محمد، فرزند نه‌ماهه‌اش، است. شروع گفت‌وگو با شکل‌گیری مرکز نفس است. زاده‌احمد در این بار می‌گوید: ابتدای کار جمعی از متخصصان و کارشناسان علوم پزشکی که شامل متخصصان زنان، ماماها و تعدادی از روان‌پزشکان شهر مشهد بودند، گروهی را تشکیل دادند. هدف ابتدای همه اعضای گروه از یک علاقه منشا گرفته بود، آن هم علاقه برای جوانی ایران. همین علاقه مشترک سبب شکل‌گیری جلسات متعدد برای تصمیم‌گیری در حوزه یک اقدام عاجل و مؤثر بود.

به‌گفته او در پی این جلسات به این نتیجه رسیدیم که به حوزه سقط‌های عمدی جنین ورود داشته باشیم. جنین‌هایی که عملاً به این دنیا پا گذاشته‌اند اما به‌دلایلی والدین پذیرای آن‌ها نیستند. بنابراین تصمیم گرفتیم که حداقل تلاش کنیم تا از کشته شدن این جنین‌های مظلوم و بی‌گناه آن هم توسط والدین